



64

Vol. 32
Autumn 2024
P.P: 73- 99

Research Paper

Received: 11 February
2021
Revised: 05 August 2024
Accepted: 27 February
2023
Published: 22 September
2024

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Research in Islamic Education Issues

The Goals of Rational Education in Ibn Sina's Thought

Zahra Mohammadi Khashoui ¹ | RezaAli Nowrozi ²

| Forough Al Sadat Rahimpour ³

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.1.0

Abstract

In Islamic thought, much importance has been given to cultivating rational aspects in organizing the human intellectual system and ideology. Undoubtedly, this change requires knowledge of the goal or goals that determine the path of this change. This descriptive-analytical method seeks to explain the goals of intellectual education based on the ideas of Ibn Sina and explain the educational strategies in the challenges facing the education system in order to achieve his goals. The results show that the goals of intellectual education from Ibn Sina's point of view include two parts: the ultimate goal and the intermediate goals. According to Ibn Sina, the ultimate goal was to get closer to the truth, and mediating goals were introduced, including deepening cognition, self-interaction with the active intellect, cognitive transformation, tact in action, acquiring social skills, and acquiring professional and job skills. Also, the components of central memory, including the weakness of reasoning abilities, superficial thinking, reducing the level of stability and meaningfulness of learning, weak moral growth, weak responsibility and economic dependence were explained and provided educational strategies to achieve the goals of rational education according to Sina

Keywords: Ibn Sina; memory-centered, Intellectual education; Theoretical intellect; Practical intellect.

1. Doctoral course in Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Iran. Email: mohammadi.zahra3787@gmail.com
2. Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Iran. Email: r.nowrozi@edu.ui.ac.ir
3. Professor, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Iran. Email: fr.rahimpour@gmail.com

Cite this Paper: Mohammadi Khashoui, Z & Nowrozi, R. A & Sadat Rahimpour, F. (2024). The Goals of Rational Education in Ibn Sina's Thought, 32(64), 73-99.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

أهداف التربية الفكرية في فكر ابن سينا

زهرا محمدى خشوي^١ | رضاعلى نوروزى^٢ | فروغ السادات رحيم بور^٣

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.1.0

رقم
٦٤

المجلد
٣٢

خريف
١٤٤٦

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٢/٧/١
تاريخ المراجعة: ١٤٤٦/٢/١
تاريخ القبول: ١٤٤٤/٠٨/٨
تاريخ النشر: ١٤٤٦/٣/٢٠

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



الملخص

لقد أولى الفكر الإسلامى أهمية كبيرة لتنمية الجوانب العقلانية فى تنظيم منظومة الفكر الإنسانى والأيدىولوجية. ويتطلب هذا التحول الوعى بالهدف أو الغايات التى تحدد مسار هذا التحول. ويسعى هذا البحث ذو المنهج الوصفى التحليلى إلى بيان أهداف التربية العقلانية انطلاقاً من أفكار ابن سينا، وبيان الحلول التربوية فى التحديات المقبلة فى نظام التعليم من أجل تحقيق أهدافه. وأظهرت النتائج أن أهداف التربية العقلانية من وجهة نظر ابن سينا تشتمل على قسمين: هدف نهائى، وأهداف وسيطة. وبحسب ابن سينا، كان الهدف النهائى هو الوصول إلى القرب من الحقيقة، وتم اقتراح أهداف وسيطة تشمل تعميق المعرفة، والتفاعل الذاتى مع العقل النشط، والتحول المعرفى، والحكمة فى العمل، واكتساب المهارات الاجتماعية، واكتساب المهارات المهنية والوظيفية. كما تم شرح مكونات الذاكرة ومنها ضعف القدرات الاستدلالية، والتفكير السطحي، وانخفاض مستوى الثبات ومعنى التعلم، وضعف النمو الأخلاقى، وضعف المسؤولية، والتبعية الاقتصادية، وتقديم الحلول التربوية لكل منها لتحقيق أهداف التربية الرشيدة وفق أصبح لابن سينا.

الكلمات الرئيسية: ابن سينا؛ الذاكرة المركزية التعليم الفكرى السبب النظرى الحكمة العملية

١. طالب دكتوراه فى فلسفة التربية، كلية العلوم التربوية وعلم النفس، جامعة أصفهان، إيران.

Email: r.norouzi@edu.ui.ac.ir

٢ المؤلف المراسل: أستاذ مشارك، كلية العلوم التربوية وعلم النفس، جامعة أصفهان، إيران

٣ أستاذ مشارك، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة أصفهان، إيران.

الاقباس: محمدى خشوي، زهرا و نوروزى، رضاعلى ورحيم بور، فروغ السادات (١٤٠٣)، أهداف التربية الفكرية فى فكر ابن سينا، بحث فى قضايا التربية الإسلامية، ٣٢ (٦٤)، ٧٣-٩٩.

DOR: <https://doi.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.64.1.0>



النشر: جامعة الامام الحسين (ع) © المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



اهداف تربیت عقلانی در اندیشه ابن سینا

زهرا محمدی خشوئی^۱ | رضاعلی نوروزی^۲ | فروغ السادات رحیم پور^۳

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.64.1.0

شماره
۶۴
سال سی دوم
پاییز ۱۴۰۳
صص: ۷۳ - ۹۹

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۳ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ بازنگری: ۱۵ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۰۸ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۰۱ مهر ۱۴۰۳

شاپا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

در اندیشه اسلامی، به پرورش جنبه های عقلانی در سازماندهی به نظام فکری و ایدئولوژی انسان اهمیت بسیاری داده شده است. این تحول نیازمند آگاهی از هدف یا اهدافی است که مسیر این تحول را مشخص می کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین اهداف تربیت عقلانی بر اساس اندیشه های ابن سینا و تبیین راهکارهای تربیتی در چالشهای پیش رو در نظام تعلیم و تربیت در جهت تحقق اهداف وی است. نتایج مبین آن است که اهداف تربیت عقلانی از منظر ابن سینا شامل دو بخش هدف غایی و اهداف واسطه ای می باشند. هدف غایی از نظر ابن سینا رسیدن به قرب حق معرفی شد و اهداف واسطه ای شامل تعمیق شناخت، تعامل نفس با عقل فعال، تحول شناختی، تدبیر در عمل، کسب مهارت اجتماعی و کسب مهارت حرفه ای و شغلی مطرح شدند. همچنین مؤلفه های حافظه محوری شامل ضعف توانمندی های تعقل، سطحی اندیشی، کاهش سطح ثبات و معناداربودن یادگیری، ضعف رشد اخلاقی، ضعف مسئولیت پذیری و وابستگی اقتصادی تبیین شدند و به ارائه راهکارهای تربیتی هر یک تا نبل به اهداف تربیت عقلانی از نظر ابن سینا پرداخته شد.

کلیدواژه ها: ابن سینا؛ حافظه محوری؛ تربیت عقلانی؛ عقل نظری؛ عقل عملی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، ایران
Email: mohammadi.zahra3787@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان، ایران.
Email: r.norouzi@edu.ui.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ایران
Email: fr.rahimpour@gmail.com

استناد: محمدی خشوئی، زهرا و نوروزی، رضاعلی و رحیم پور، فروغ السادات (۱۴۰۳)، اهداف تربیت عقلانی در اندیشه ابن سینا

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۴)، ۷۳-۹۹. DOR: https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.64.1.0



ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

بررسی پیرامون عقل انسانی، یکی از مهمترین مسائلی است که در فلسفه ی اسلامی از جمله در حکمت مشاء به آن توجه شده است. بشر توسط عقل توانایی درک و فهم حقایق را به دست می آورد. عقل قوه‌ی تشخیص امور صالح از فاسد در زندگی مادی و معنوی (عقل نظری) و ضبط و حبس نفس بر اساس این شناخت (عقل عملی) است (بهشتی، ۱۳۸۶: ۴۹). عقل زینت بخش وجود آدمی و وجه امتیاز او از سایر موجودات است. قوه عاقله یا نفس ناطقه قوه ای است مجرد لیکن مجرد تام و عقل بالفعل نیست بلکه چون نفس با بدن پیوند دارد و انسان باید در عالم ماده زندگی کند عقل او هم مانند سایر قوای ادراکی باید از قوه به فعلیت برسد و لذا پیوسته در حال حرکت و استکمال است. عقل گرایان تربیتی همچون ابن سینا سعی نموده اند طرحی عقلانی برای حیات انسانی داشته باشند و بنابراین از نظر ابن سینا تربیتی قابل دفاع است که عقل را در هر دو بعد نظری و عملی پرورش دهد. چنین تربیتی بدون نظر به سود مادی و دنیوی و صرفاً به خاطر بهره روحی و لذت عقلی پایه ریزی می شود، در چنین تربیتی که عقل را سرلوحه کار خود قرار داده است هم خود فرد و هم جامعه بهره ور می شود چراکه این جامعه از وجود چنین فردی برخوردار بوده و توانسته است او را در خود پرورش دهد (زیبا کلام، ۱۳۸۴: ۷۲). از آنجا که عقل هر انسانی قابل تربیت، تقویت و تکامل است هر انسانی قادر است که عقل خود را تکامل دهد با توجه به اینکه انسان استعدادی به نام «عقل» در وجودش نهاده شده است برای شکوفا شدن و تکامل آن نیازمند تربیت است و در این موقعیت است که تربیت عقلانی برای ایجاد بستر مناسب و شرایط لازم برای پرورش تفکر در ارتباطات درونی و بیرونی انسان ضرورت پیدا می کند (ملکی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). تربیت عقلانی پیش نیاز و راه کسب توفیق در دیگر تربیت ها از قبیل تربیت اجتماعی، سیاسی و دینی می باشد. به بیان دیگر پایه و اساس دیگر تربیت ها، تربیت عقلانی به شمار می رود. در کشور ما آموزش و پرورش از جمله نهادهایی است که وظیفه رشد و شکوفا سازی استعدادها بر محور تربیت عقلانی را دارد و یکی از راهکارهایی که می تواند در این امر مدد رسان نظام آموزش و پرورش باشد، توجه به دیدگاه انسان شناسانه فیلسوفان مسلمان و باز شناسی آراء تربیتی ایشان است. دیدگاه ابن سینا ملقب به شیخ الرئیس به عنوان یکی از فیلسوفان ژرف

اندیش که دارای منظومه فکری - فلسفی است می تواند مطرح باشد. به همین جهت لازم است در حوزه ی تعلیم و تربیت از اندیشه های فیلسوفان مسلمان در جامعه ی اسلامی تا حد توان بهره گرفت. با توجه به اینکه ابن سینا به عنوان فیلسوفی تاثیر گذار در نظام تربیتی ما مطرح است، ضرورت دارد ضمن بررسی اهداف تربیت عقلانی وی به عنوان راهنمای تربیتی از آنها بهره بجوییم تا راهگشای مشکلات تعلیم و تربیت حاضر باشند. اهمیت و مزیت پژوهش حاضر در این است که با بررسی پژوهش های انجام شده در ارتباط با دلالت های تربیتی از منظر ابن سینا سعی بر آن دارد تا با مطالعه ی دقیق یافته های پیشین از بیان مطالب تکراری اجتناب شود تا نوآوری های جدید علمی در پژوهش حاضر تبیین شود. با توجه به اینکه راه دستیابی به اهداف تربیت عقلانی را باید در نظام تعلیم و تربیت جستجو کرد. بنابراین پژوهش حاضر در صدد است با توجه به مطالب بیان شده و موضوع مورد نظر به این سؤال پاسخ دهد که اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه ابن سینا کدامند؟

مبانی نظری

مباحث مرتبط با عقل در هر دو حوزه (عقل نظری و عقل عملی) از مهم ترین مسائل حوزه علم النفس یعنی انسان شناسی فلسفی است که مورد توجه ابن سینا قرار داشته است. مطابق نظر وی نفس انسانی که می تواند بیندیشد جوهری است دارای قوا و کمالات مخصوص به خود، یکی از این قوا، قوه ای است که نفس در تدبیر بدان نیازمند است. این همان نیرویی است که آن را عقل عملی می نامند. انسان با این قوه بایستگی ها را در مورد رفتار و کردار جزئی خود بر اساس مقدمات بدیهی یا مشهود و یا تجربی به دست می آورد. انسان با اجرا گذاشتن آن بایستگی ها به هدف های انتخابی خود می رسد. عقل عملی از طریق دیدگاه های کلی عقل نظری به مسائل جزئی دست می یابد. یکی دیگر از قوای نفس، قوه ای است که آدمی در تکمیل جوهر خود از آن بهره می گیرد و به کمک آن خود را به رتبه عقل بالفعل ارتقا می بخشد و این عقل نظری است که به ادراک کلیات می پردازد (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۱۲۷). همچنین وی بیان می کند که: "نفس ناطقه دو قوه دارد؛ یکی از آن دو زمینه عمل را فراهم می کند و این قوه با بدن مرتبط است و به وسیله آن میان آنچه سزاوار عمل کردن است و آنچه سزاوار نیست عمل شود و میان خوب و بد در

جزئیات، تمیز داده می شود این قوه عقل عملی است. قوه دوم نفس را آماده نظر می کند، این قوه به عالم بالا مرتبط است و فیض الهی را دریافت می کند و به ادراک معقولات و کلیات نایل می گردد که عقل نظری نامیده می شود" (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۳۶۲). ابن سینا آموزش عقلی را که در حقیقت پرورش ذهن انسان است مهمترین بخش آموزش می شمارد. وی تعلیم و تربیت را رشد دهی عقل به منظور درک واقعی و عمیق نظم جهان می داند و معتقد است در این مسیر اهداف مادی نباید مد نظر قرار گیرند، بلکه منافع روحانی تعلیم و تربیت برای اشخاص و پس از آن برای جامعه رکن اساسی برای این امر محسوب می شوند. (زیبا کلام، ۱۳۸۷: ۱۴).

امروزه انسان با مسائل فراوانی در زندگی روبرو شده است که سبب بسیاری از بیماری های مهلک و روانی در وجود او شده است و انسان از آنها غافل می باشد و یا اگر می داند توجهی نمی کند که از جمله آنها کم توجهی نسبت به جنبه های معنوی زندگی اوست و یکی از مهمترین ابعاد معنویت زندگی بشری تربیت عقلانی است که انسان با تفکر و تدبیر و تزکیه ی نفس می تواند به آن دست یافته و زندگی در خور شأن انسانی که در میان مخلوقات اشرف مخلوقات لقب گرفته پیدا کند که متأسفانه امروزه کمتر به آن در تعلیم و تربیت اهمیت داده می شود و بیشتر به جنبه های علمی و فنی توجه می شود که نتیجه ی آن وجود مشکلات فراوان تربیتی در زندگی اوست. بشر در طول تاریخ از نظر بعد اقتصادی - علمی - صنعتی پیشرفت کرده است اما از لحاظ معنوی و عقلانی پیشرفت چندانی نکرده است.

به جهت اینکه کسب غالب در آموزش های کلاسی، متکی بر محفوظات است بدین معنا که عرضه اطلاعات به یادگیرندگان به صورت مستقیم می باشد و بر شیوه ی دانستن و پرورش قدرت تجزیه و تحلیل و تعمق تأکید نمی شود و آنها با شرایط چالش انگیزی که با تلاش خود به نتیجه برسند مواجه نمی شوند. در عصر حاضر تحولات علوم تأثیر زیادی بر زندگی انسان ها بر جای گذاشته است و زندگی را از حالت سنتی به حالت کاملاً صنعتی مبدل کرده است، بنابراین امروزه نظام های آموزشی در سراسر جهان به ویژه در کشورمان باید تلاش نمایند تا مباحث گوناگون را در برنامه های خود تدوین کنند تا از این طریق بتوانند توانایی ها و قدرت استدلال و توانایی حل مسئله ی یادگیرندگان را تقویت نمایند و آنها را همگام با تحولات جلو ببرند و برای زندگی آینده یاری نمایند (مظلومیان و همکاران، ۱۳۹۳).

مهارت حل مسئله مهارتی است که باید آن را آموزش داد و این مهارت چیزی نیست که همراه فرد باشد در واقع اگر بتوانیم این مهارت را به یادگیرندگان انتقال دهیم به اهداف خود دست خواهیم یافت زیرا هر چقدر سطح تفکر یادگیرندگان افزایش یابد در رفع نیازهایشان موفق تر عمل خواهند کرد (قائمی و افشاری، ۲۰۱۴).

همچنین پژوهش های متعدد نشان داده شده است که مهارت حل مسئله در پیشرفت یادگیرندگان تأثیر معناداری دارد. برای مثال نوبهار (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر حل مسئله بر میزان یادگیری به این نتیجه رسید که مهارت حل مسئله تأثیر مثبتی بر یاد داری دارد. همچنین گاون و کاباکور (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی مهارت حل مسئله بر عملکرد تحصیلی یادگیرندگان پرداختند و نشان دادند که مهارت حل مسئله باعث بهبود یاد دهی - یاد گیری می شود.

پیشینه پژوهش

عمدتاً پژوهش های موجود به صورت توصیفی و بخشی با تمرکز بر تربیت عقلانی صورت گرفته است، که در ادامه به چندین مورد از این پژوهش ها اشاره می کنیم. نوروبزی و شهریاری (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "تحلیلی بر پیامدهای عقل نظری از منظر ابن سینا" به این نتایج دست یافتند که پرورش عقل باید به طور تدریجی باشد. نظام تعلیم و تربیت هم باید به گونه ای ساماندهی گردد که به فعلیت بیشتر استعداد های بالقوه کمک نماید و توجه به محیط به عنوان یک عامل مبنایی در رشد عقلانی، جهت دهی صحیح و دقیق فرد در فرآیند اکتساب، در نظر گرفتن تفاوت های فردی، فراهم آوردن بروز رشد و خلاقیت و ایجاد تنوع در برنامه درسی به منظور شکوفایی عقل از مشخصه های اصلی این نظام باشد. در بحث روش های تعلیم و تربیت نتایج حاکی از آن بود که روش های اتخاذی ضمن برخورداری از دو ویژگی تطابق با اهداف و محدوده ی سنی مرتبی باید به گونه ای باشند که فرآیند گذر از یک مرتبه به مرتبه دیگر را میسر سازد و باعث غنی سازی هر چه بیشتر مراتب عقل گردند. پور محمودی و ملکی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن» به بررسی آراء و اندیشه های تربیت عقلانی علامه جعفری در زمینه اهداف

و اصول و روشهای تربیت عقلانی به منظور بهره‌گیری در تعلیم و تربیت پرداخته اند چنین استنباط نمودند که علامه، تربیت عقلانی را پرورش قوه تفکر انسان برای انتقال از حیات معمول به حیات معقول می‌داند و هدف غایی آن را عبادت و بندگی خدا می‌داند و خودسازی، غلبه عقل بر هوای نفس و تبدیل احساسات خام به تصعید شده را جزء اهداف واسطه‌ای رسیدن به هدف غایی شمرده و اصول و روشهای تربیت عقلانی علامه را مورد مذاقه قرار داده اند.

کریمیان و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله « جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی، مبتنی بر سند برنامه درسی ملی »، به این نتیجه رسیده‌اند که با عنایت به تأکید سند برنامه درسی ملی تفکر انتقادی، یکی از مبانی رشد اجتماعی و عقلانی در تربیت است.

ایرانمنش و رستمی نسب (۱۳۹۵)، در مقاله « روش‌های تربیت عقلانی در صحیفه سجاده‌یه » روش‌های تربیت عقلانی را استخراج نموده‌اند که شامل: تزکیه، مشاهده، عبرت‌آموزی و ... است

جان نثاری و واعظی (۱۳۹۶) به « بررسی و نقش عقلانیت در تربیت از منظر قرآن کریم » پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفکر از ویژگی اساسی انسان و به معنای به کار گرفتن نیروی عقل و اندیشه برای استنتاج امور مفید است. در نگاه قرآنی همه چیز در حقیقت آیات الهی است و از ماهیت نمادی آن‌ها فقط کسانی آگاه می‌شوند که عقل داشته و می‌توانند به معنی واقعی تفکر کنند. قرآن کریم انسان را به تفکر دعوت نموده و ایمان را بر پایه آن می‌داند برای مقابله با مسائل فردی و اجتماعی پیچیده به پرورش افرادی نیازمند است که با تکیه بر نیروی اراده و ادراک عقلانی خویش منطقی و خلاق بیندیشند و تولیدکننده‌ی دانش و فرهنگ در عصر دانایی باشند.

شهریاری (۱۳۹۶) در پژوهش خود که در مورد « اهداف تعلیم و تربیت و بایسته‌های آن با تأکید بر دیدگاه ابن سینا درباره نفس. با روش تحلیلی-استنباطی انجام داده است، نتایج پژوهش وی مبین این است که نظام تربیتی ابن سینا نظامی عقلانی است و هدف تعلیم و تربیت از نظر وی دستیابی به عقل مستفاد است.

مشیری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان « نسبت مفهومی تربیت عقلانی و تربیت دینی از منظر ابن سینا » به این نتیجه دست یافت که ابن سینا تعلیم و تربیتی را ارجح می‌نهد که با پرورش عقل همراه

بوده و لازمه ی تربیت دینی را همراهی آن با عقل می داند و از همین رو این دو تربیت لازم و ملزوم یکدیگرند.

رشیدی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «ارایه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت شناختی قرآن کریم». به ترسیم الگوی مذکور پرداخته اند و برخی از اصول الگوی بدست آمده را اصل مراتبی بودن معرفت تلازم معرفت و تقوا، حفظ منزلت عالم و غیره بیان کرده اند.

سرخ آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان «روش های آموزش سیره رضوی و دلالت های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان»، ضمن استخراج روش ها آموزش در سیره امام رضا(ع)، به کارگردها و دلالت های روش مذکور در تربیت عقلانی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان پرداخته و در نتیجه پنج روش تدریس: آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مناظره و عبرت آموزشی را پیشنهاد کرده اند.

ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی اهداف و اصول تربیت عقلانی در اندیشه علامه جعفری و کانت» به مقایسه آراء و نظرات این دانشمند پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که هدف نهایی تربیت عقلانی از منظره علامه جعفری رسیدت به مقام عبودیت و بندگی خدا و از منظر کانت به کمال رساندن همه قوا و استعدادهای انسان می باشد.

رضائی و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «کارکردهای تربیت عقلانی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی» به بررسی آرا و نظرات آیت الله جوادی آملی در خصوص توانایی ها، کارکردها و ماهیت تربیت عقلانی پرداختند و در نهایت تربیت عقلانی از منظر ایشان را، رسیدن به حیات الهی و هدایت عملی به کوی حق دانسته اند.

روش شناسی پژوهش

برای پاسخ به سوالات این پژوهش روش بررسی نمودن اسناد و مدارک مارشال استفاده شده است که جهت جمع آوری اطلاعات در تحقیقات کیفی مطرح می باشد. بر همین اساس روش بررسی اسناد و مدارک و تحلیل محتوای اسناد دارای سه مرحله ی تحلیل ابتدایی، استخراج از اسناد و معناکاوی محتوا بررسی و نتایج به دست آمده و تفسیر آن است که در مرحله ی ابتدایی

پژوهشگر باید به قرائت آزاد پرداخته تا با اسناد و مدارکی که باید تحلیل شود آشنا شده و به انتخاب مجموعه اسناد بپردازد و فرضیه‌ها و اهداف پژوهش را مشخص نماید (باردن، ۱۳۷۵: ۱۰۷). در مرحله دوم پژوهشگر با توجه به سؤالات پژوهش مقوله‌ای را که باید به صورت اطلاعات گردآوری شوند و جنبه‌هایی از محتوا را که باید به شکل اطلاعات گردآوری شوند و جنبه‌هایی از محتوا را که باید مورد تفسیر قرار گیرند مشخص نماید (مارینگ، ۲۰۰۱). در مرحله‌ی پایانی هم باید هنگامی که از تحلیل محتوا نتایج معناداری به دست آمد تحلیلگر پیشنهاد استنباط بدهد و تفسیرها را در مورد اهداف پیش‌بینی شده و یا کشفیات پیش‌بینی نشده توسعه دهد (باردن، ۱۳۷۵: ۱۰۹). به همین جهت در آغاز، تألیفات ابن سینا مورد بررسی قرار گرفته است و از میان آنان مباحث مربوط به عقل مد نظر قرار گرفته و برای دستیابی به اهداف تربیت عقلانی به نظریات تربیتی ابن سینا مراجعه شد و با جمع‌بندی نمودن کلی نظریات اهداف تربیت عقلانی در دو سطح غایی و واسطه‌ای استخراج گردید.

یافته‌های پژوهش

مبانی معرفت‌شناسی در اندیشه ابن سینا کدامند؟

شناخت راستین از دیدگاه ابن سینا «شناخت عقلی است زیرا «ادراک عقل» نسبت به معقول، نیرومندتر از ادراک «حس» نسبت به محسوس است چون عقل امری «ماندگار» است و «کلی» را ادراک می‌کند و با آن متحد می‌شود و به گونه‌ای همان امر می‌گردد و آن را درک‌کنه و نه در ظاهرش ادراک می‌کند، اما «حس» در برابر محسوس خود چنین نیست (ابن سینا، ۱۳۶۴). نفس ناطقه دارای دو قوه است، «عملی» و «نظری»، «عقل عملی» منشأ حرکت بدن انسان به سوی افعال جزئی برای رسیدن به غرض‌های اختیاری است. «عقل نظری» قوه‌ای است که در آن صورت‌های کلی مجرد از ماده نقش می‌بندد و به چهار دسته تقسیم می‌شود:

الف. «عقل بالقوه» (هیولانی) که پیوند نیروی نظری با صورتهای کلی مجرد وقتی که مطلقاً بالقوه باشد که این عقل در هر شخصی از نوع انسان از ابتدا وجود دارد، یعنی انسان در این مرحله استعداد قبول معقولات را دارد.

ب. «عقل بالملکه» که شکل‌گیری معقول‌های نخستین مثل «کل بزرگتر از جزء است» می‌باشد.

ج. عقل بالفعل « که در مقایسه با عقل بالقوه است. در این نحوه تعقل، فرد آگاه است و می تواند از طریق فکر یا حدس، معقولات را نزد خود بالفعل حاضر کند.

د. «عقل مستفاد» رسیدن عقل بالقوه (هیولانی) به مطالعه و تعقل بالفعل و اینکه بتواند تعقل کند که آن را بالفعل می تواند تعقل کند.

«عقل بالقوه» خود به وسیله عقل دیگری بصورت «بالفعل» در می آید که «عقل فعال» نامیده می شود این سینا «عقل فعال» را «بخشنده صورت ها» می نامد. بنابراین برترین مرتبه «شناخت عقلی» پیوستن عقل انسانی به «عقل فعال» است که با نفوذ این عقل «عقل بالقوه» رشد و کمال می یابد. «عقل فعال» چیزی نیست که گاه غایب شود و گاه حاضر بلکه به نفس همیشه حاضر است این ماییم که بارو آوردن به امور دیگر از آن غایب می شویم.

هدف غایی (نهایی) تربیت عقلانی از نظر ابوعلی سینا چیست؟

دستیابی به هدف غایی به معنی وصول به سعادت واقعی است. ابن سینا سعادت و کمال را آخرین هدف و بالاترین خیر و غایت زندگی آدمی می داند که از طریق پرورش قوای عقلانی و در نهایت، با شناخت پروردگار و تقرب و عمل به دستورهای او حاصل می شود؛ وی بر این باور است که سعادت حاصل علم به حقایق جهان هستی بوده، معرفت عقلی و قدرت تفکر و استدلال، انسان را به سعادت و کمال واقعی می رساند. با اینکه ابن سینا سعادت انسان را حاصل ادراک کمال تحقق یافته ی وی در نظر می گیرد و بر نقش محوری علم و شناخت تأکید می ورزد؛ او در زمینه ی لزوم کسب نمودن سعادت که آن را مقصود بالذات در نظر می گیرد بیان می کند: "آن چیزی که لازم واجب است برای انسان که آن را تحصیل نماید و از تلاش و کوشش در آن راه کوتاهی نکند دو قسم می باشد: یکی نفس خود سعادت است و دیگری راهی می باشد که وی را به سرچشمه ی مقصود می رساند. سعادت حقیقی از نظر وی سعادت اخروی است چرا که این سعادت مطلوب انسان در عالمی سوای از این عالم فانی موجود می باشد و آنچه در این عالم هست مقدمات سعادت و به دست آوردن کمالات هستند. از نظر او سعادت حقیقی رسیدن به مقام قرب الهی و سدره المنتهی تحت عرش رحمانی می باشد که در این هنگام جمیع حقایق برای او منکشف می شود. حقایق را به نظر بصیرت می نگرد موجودات عالم علوی را مشاهده می نماید؛

ذاتش به جوهر فیض الهی منقلب می شود و به ریاست عالم و سلطنت حقه نائل می شود (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۳۶۳).

از نظر ابن سینا رسیدن به سعادت حقیقی رسیدن به مرتبه ی عقل بالمستفاد است. از نظر او کمال اختصاصی نفس ناطقه عبارت است از اینکه عالم عقلی باشد که در آن صورت کل عالم و نظام عقلانی در کل عالم و خیری که در کل عالم فیضان می یابد ارتسام یافته و به گونه ای که به عالم معقولی تبدیل گردد که موازی با کل عالم هستی می باشد که در این مرتبه به چیزی که خیر مطلق است می پردازد و با آن متحد شده (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۴۲۵).

از نظر ابن سینا برترین انسان فردی می باشد که نفس او کمال یافته و عقل بالفعل شده و دارای اخلاقی است که فضائل عملی هستند (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۴۳۵). بنابراین دست یافتن به سعادت حقیقی یا عقل بالمستفاد با توجه ویژه به هر دو جنبه ی نفس ناطقه و به کارگیری راه هایی برای رساندن این دو جنبه به سعادت امکان پذیر می گردد. از نظر وی سعادت واقعی انسان در گرو کمالی قرار دارد که در دو بعد عقل نظری و عقل عملی به بار می نشیند (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۱۸۷).

اهداف واسطه ای تربیت عقلانی از نظر ابن سینا در جهت پاسخگویی به مولفه های حافظه محوری چیستند؟

هدف غایی تربیت مقصد نهایی تربیت می باشد در مقابل اهداف واسطه ای مقدمه رسیدن به هدف نهایی هستند. اگر تربیت را به مسافرت تشبیه نماییم هدف نهایی به منزله ی مقصد غایی مسافرت و اهداف واسطه ای به منزله ی شهرهایی در مسیر مسافرت هستند که مسافر جهت رسیدن به مقصد نهایی باید لزوماً به آنها برسد. هیچ یک از آنها مقصد نهایی نیستند و با رسیدن به آنها مسافرت تمام نمی شود و زمانی این مسافرت تمام می شود که مسافر به مقصد غایی برسد. اهداف واسطه ای گاه ممکن است اموری بیرون از هدف نهایی و متفاوت با آن و بدان سبب که مقدمه رسیدن به هدف نهایی می باشند هدف واسطه ای به شمار می آیند و گاه ممکن است جزئی از آن باشند و از آن جهت که تحقق جزء مقدمه ی تحقق کل است هدف واسطه ای شمرده می شوند. هر اندازه اهداف واسطه ای به هدف نهایی نزدیکتر باشند کلیت و شمول آنها بیشتر و بالعکس هر چه سطح آنها پائین تر از هدف نهایی باشند ملموس ترند. در اینجا به اهداف واسطه ای کلی و نزدیک به هدف نهایی از نظر ابن سینا پرداخته می شود که این اهداف شامل عقلانیت شناخت، تعامل نفس

با عقل فعال، تحول شناختی، تدبیر در عمل، کسب مهارت اجتماعی و کسب مهارت حرفه ای و شغلی می باشند. در ادامه نیز با بیان مولفه های حافظه محوری و اهداف واسطه ای تربیت عقلانی از نظر ابن سینا، راهکارهای تربیتی را برای هر یک از مولفه ها با توجه به اهداف مورد نظر ابن سینا جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

ضعف توانمندی های تعقل

امروزه بسیاری از مطالعات نشان دهنده ی این واقعیت است که مدارس در ایجاد توانمندی ها و منش های برتر تعقل در دانش آموزان توفیق چندانی به دست نیاورده اند. در مطالعه ی بین المللی که توسط "پرلز" که در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۶ در ارتباط با سواد خواندن صورت گرفت نتایج نشان داد که بالاترین تفاوت میان پاسخ های حفظی و پاسخ های استنباطی از بین کشورهای منتخب جهان که کشور ما هم جزء این کشورها بود نشان داد که متأسفانه دانش آموزان غالباً مصرف کننده فکر هستند و نه تولید کننده فکر، از آنجا که در دنیای امروزی نقش اندیشه و تعقل مهم تر شده و در تاریخ ملت ها و زندگی انسان ها ثروت اصلی معرفی گردیده است (پور محمدی، ۱۳۸۲) می طلبد دست اندر کاران تعلیم و تربیت در کشور یاری بخش مجریان پرورش تفکر در نظام تعلیم و تربیت کشور باشند.

تعمیق شناخت

هدفی را که ابن سینا برای رفع این مؤلفه در نظر گرفته تعمیق شناخت است. ابن سینا مهمترین نوع آموزش را آموزش عقلی می داند چرا که به پرورش ذهن انسان می پردازد. وی تعلیم و تربیت را رشد عقل به منظور درک واقعی نظم جهان می دانست او انس به خرد ورزی را مهمترین هدف کسب معرفت محسوب می کرد. به نظر ابن سینا انس به تفکر باعث رشد علمی می شود (زیبا کلام، ۱۳۸۴). از نظر ابن سینا تعقل متعلق به انسان است که به کمک عقل فعال صورت می گیرد. ملاک آن از نظر ابن سینا شهود و درک صور معقوله و علم حصولی است به عقیده او پس از تجرید زمینه فراهم می شود تا واهب الصور صورت معقوله به انسان افاضه کند و پس از افاضه، درک عقلی حاصل می شود درک عقلی به معنای افاضه صور مقوله توسط عقل فعال است. وی ضمن تأکید بر بساطت نفس انسانی و عدم منافات تعدد قوا با بساطت آن (ابن سینا

ج ۵، ص ۳۵۶-۳۴۱). ادراک کلیات را بر عهده عقل نظری می‌داند (ابن سینا، ج ۵، ص ۲۸۴). ابن سینا با تقسیم مراتب ادراک و معرفت به حسی، خیالی و عقلی و لحاظ تجرید در آنها تجرید تام را اذعان قوه عاقله و ادراک عقلی بی‌نیاز از آلت و مستقیماً منسوب به نفس می‌داند. از نظر او ادراک بر اساس کمال و نقص و قوای مدرک در مجرد ساختن معلوم مراحل را می‌پیمایند که سرانجام به مرحله ادراک عقلانی می‌رسد که می‌تواند صور کلی بسازد. ابن سینا نخستین مرحله پیدایش ادراک را احساس می‌داند و آن را آغاز راه معرفت معرفی می‌کند (ابن سینا، ۱۳۷۹: ۲۳۲). در ادراک حسی، در عین تجرید صورت شیء از ماده، حضور ماده همراه با عوارض محسوس از شرایط لازم است (ابن سینا، ۱۳۳۱: ۳۴۵). در مرحله ادراک خیالی، عوارض و هیئات محسوسه بدون ماده حضور دارند. از نظر ابن سینا تخیل، امری جزئی است و مدرکات حس و خیال یکی هستند (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۱۸۳). صور خیالی در قوه خیال جای دارد و دلیلی بر وجود صور خیالی در عالم خیال به صورت مستقل از ذهن و مجرد نیست. مرحله عقلانیت شناخت مرحله دریافت مفاهیم کلی مجرد و عاری از همه شروط ادراک حسی است (طوسی، ۱۳۷۵: ۳۲۴). در این مرحله انتزاع در واپسین مرحله کمال است چون صور عقلی مجرد تام است (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۱۰۳). قوه عاقله کلیات را از معانی جزئی ادراک می‌کند. در این مرحله از انتزاع نشانی از جزئیت و مادیت در معانی کلی مشاهده نمی‌شود. همچنین قوه عاقله با استفاده از معلومات عقلی به حل مجهولات می‌پردازد. در اشارات با اشاره به نقش صور جزئی در پیدایش صور عقلی آمده است: پس از حصول صور و معانی جزئی از طریق حس واهمه و سپس مخزون شدن آنها در قوه خیال و ذاکره، نفس به واسطه قوه مفکره به ترکیب و تحلیل صور معانی جزئی مخزون می‌پردازد و از این طریق مشترکات و متباینات و ذاتیات و عرضیات را که در حقیقت تصورات اولیه هستند حاصل می‌کند. سپس نفس ناطقه با ترکیب و تفضیل این صور در عقل، صور و معانی عقلی جدید را به وجود می‌آورد و از این راه به معلومات تصدیقی و تصویری دست می‌یابد (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳۶۷).

رشد و شکوفایی عقل نظری هنگامی تحقق می‌پذیرد که عقل نظری مرتبی، آمادگی و توانایی کسب علوم و معرفت‌های کلی کاملاً نظری یا معرفت‌های کلی عملی را به دست آورده و افزون بر آن این توانایی را به کار گرفته و از این راه علوم مورد نظر را کسب کرده باشد (ابن سینا،

۱۴۰۴: ۳۹). معرفت های کلی نظری که باید کسب شوند عبارتند از: شناخت ساختار کلی جهان هستی، مرتبه و جایگاه هر یک از موجودات و نیز ارتباط میان آنها، شناسایی نظام هستی که از مبدأ اول سرچشمه می گیرد و تا آخرین وجود استمرار می یابد، شناخت چگونگی آفرینش موجودات به گونه ای که متربی در نهایت بتواند تصویری نسبتاً جامع از جهان هستی بدست بیاورد. افزون بر این متربی باید غایات همه موجودات جهان هستی از جمله انسان را شناسایی نماید و همچنین بداند غایت وجود انسان چیست (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۴۲۹).

مربیان می توانند با طرح پرسش های سقراطی شاگردان را به سمت دلیل های محکم و قوی هدایت نمایند. شکوفایی عقل یادگیرندگان باید از طریق تمرین منطق تفکر و آموختن مهارت‌ها و روش های فکر کردن و ایجاد زمینه برای انس گرفتن به تفکر و لذت بردن از اندیشه ورزی و ایجاد زمینه برای تقویت قوای فطری و تعقل به منظور برداشتن موانع اندیشه ورزی صورت گیرد. کودک از زمانی که پا به این جهان می گذارد فکر کردن را شروع می کند و به طور فطری قواعد ساده تفکر را به کار می برد انسان چه بخواهد و چه نخواهد موجودی متفکر است و با اندیشه ورزی کارهای خود را انجام می دهد. هر اندازه موضوعات تفکر گسترده تر می شوند تفکر و قوانین آن هم پیچیده تر می شوند. مربی باید درست فکر کردن را با او تمرین کند و به رشد تعقل وی یاری رساند. پدر و مادر و محیط خانه و مربیان وظیفه دارند این بستر را فراهم نمایند تا یادگیرنده خودش به تفکر احساس نیاز کند و فواید آن را مشاهده کند و به فکر کردن علاقه مند شود. از آنجا که خداوند بذر تفکر را در بدو تولد در وجود انسان قرار داده است کافی است مربی در وهله ی اول موانع تفکر را از یادگیرنده بزدايد و با ارائه برنامه صحیح برای رشد تعقل آن را آبیاری کند.

کاهش سطح ثبات و معنادار بودن یادگیری

مطلوبیت یک برنامه آموزشی در گرو اصلاح فرآیند یاددهی- یادگیری است و انتخاب راهبردهای مؤثر به ایجاد و اصلاح برنامه های آموزشی کمک می کند. با وجود این در مدارس امروز به جای استفاده از تدریس فعال بیش از حد بر انباشت ذهن و تقویت حافظه تأکید می شود و معنادار بودن یادگیری مد نظر قرار نمی گیرد یادگیرنده باید بکوشد آنچه را که می آموزد به

دانسته ها و آموخته های قبلی ارتباط دهد و بین آن و مطلب جدید پلی از ارتباط بسازد. تا یادگیری او یادگیری معنادار شود به عنوان نمونه اگر به فراگیر گفته شود « دو علت تامه نمی توانند معلولی واحد داشته باشند» در این صورت یادگیرنده تنها این عبارت را حفظ می کند و آن را به تجربه ها و آموخته های پیشین هیچ ربطی نمی دهد، یا اساساً هیچ تجربه و آموخته پیشین ندارد که بتواند این گزاره را بر آن مبتنی و مرتبط سازد. این یادگیری، یادگیری عادی و بی معناست.

تعامل نفس با عقل فعال

ابن سینا عقل فعال را قوه ای خارج از وجود انسان و کاملاً مجرد می داند. (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۸۶). از ویژگی هایی که ابن سینا در این برای عقل فعال بر می شمارد - که البته از اوصاف آن نیز می باشد نه از ذاتیاتش - همان رابط بودن بین مراتب تعقل است که بدون او هیچ یک از مراتب عقل (عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد) نمی توانند به مرتبه ی مافوقش دست پیدا کنند. طبق نظر ابن سینا عقل فعال بیرون از نفس انسانی است و از بیرون بر نفس ناطقه اشراق می کند و سبب تکامل قوای نفس می شود. و همه معقولات قائم بدان هستند (ابن سینا، ۱۹۵۲م: ۱۱۱).

عقل فعال از نظر ابن سینا مرتبه های متفاوت عقل انسانی را تحقق می بخشد و از قوه به فعل به حرکت در می آورد و به سوی هدف غایی سوق می دهد. ادراکات عقلی در جهت به فعلیت رسیدن گامهای متفاوتی را طی می کنند. در این گامهای متوالی سرانجام عقل انسانی به عقل فعال متصل می شود و با ارتباط مستقیم با آن تمامی دانش ها و حقایقی را که عقل فعال آنها را از عقول و عالم بالاتر و در نهایت از خدا دریافت می نماید مورد مشاهده قرار دهد. عقل فعال که شامل کلیات و صور وجودی اشیا است در پیدایش تمامی موجودات عالم ماده و معرفت بخشی به انسان نقش اصلی را بر عهده دارد. عقل فعال در طول وجود آفریدگار هستی اضافه بر نقش مفید و مؤثر در پیدایش موجودات مادی سرچشمه همه معارف انسانی است. این علت با وجود این که واسطه فیض از طرف خداوند بوده و آغاز معرفت قرار می گیرد. اما به گونه مستقیم و با نادیده گرفتن علت های طبیعی علوم بشر را نمی آفریند. پروردگار را باید هدف نهایی معرفت بشر دانست که تمام معرفت ها به او باز می گردد. انسان هر قدر خداوند را بشناسد عقل و تفکر او

رشد و پرورش پیدا می کند و به معرفت نامحدودی می رسد (ابن سینا ، ۱۴۰۴). رسیدن به این غایت تربیتی نیازمند آن است که تمام قوا و استعداد ها اعم از قوای حسی و عقلی به حد کمال رسیده باشد. بنابراین تقویت و پرورش دادن هر یک از قوای نفسانی به عنوان اهداف دیگر در طول هدف اتصال نفس به عقل فعال مورد توجه قرار هنگامی که یادگیرندگان نتوانند بازوایی وجودی و فکری خود به صورت واقعی آشنا شوند نمی تواند در زندگی موفقیت بیشتری کسب کنند. هیچ فردی بدون شناخت واقعی خودش نمی تواند هدف گذاری صحیحی برای زندگی خود داشته باشد؛ چرا که وقتی ظرفیت های جسمی و ذهنی شناخته نشوند احتمال گرفتن تصمیم های اشتباه بالا می رود.

در نظام تربیت سینوی تمام کوششها بر این اساس است که با ایجاد نمودن بسترهای مناسب تمام قوا از طریق اتصال با عقل فعال بالفعل سازد که نتیجه ی آن دستیابی به سعادت است و تمام فعالیت های تعلیم و تربیت بدان ختم شوند.

مربیان باید زمینه هایی را فراهم سازند تا با برقراری ارتباط بین مفاهیم و موضوع های جدید و مفاهیم موجود در ساختار شناختی یادگیرنده صورت پذیرد. طبق نظریه ی یادگیری معنا دار ، مفاهیم مربوط به یک رشته ی علمی به صورت یک طرح هرم فرضی سازمان می یابند و ساخت شناختی آن زمینه ی علمی را ایجاد می کنند. بنابراین مربیان مطالب درسی را به گونه ای باید ارائه دهند که ابتدا کلی ترین و انتزاعی ترین مفاهیم بیان شود و به تدریج مطالب جزئی تر و منسجم تر بیان شوند. اگر نظریات جدید به مفاهیم و گزاره های موجود در ساخت شناختی یادگیرنده مرتبط شوند، به صورت کارآمد آموخته و حفظ می شوند. (جویس، ویل و کالهنون: ۱۳۸۴). بنابراین یادگیرنده قادر است حجم زیادی از مطالب را با هم ترکیب کند و به ارتباط درونی مفاهیم پی ببرد. همچنین به دانش آموزان کمک می شود که به ذخیره سازی و جمع بندی مفاهیم پرداخته بین دروس ارتباط برقرار نمایند. به همین جهت یادگیرندگان عملکرد بهتری از خود نشان می دهند.

سطحی اندیشی یادگیرندگان

توقف یادگیرندگان به داده های حسی و سطحی نگری از مسائل مهم دانش سطحی نگر و حافظه محوری می باشد. کاستن دانش به مجموعه هایی از گزاره های صحیح و غلط و توقف در الفاظ و جدل های کلامی از دیگر مسائل آن است. چالش بزرگ تقلب و جعل در مدارس و تنزل مدرسه خوب به کنترل حداکثری در فرایندهای امتحان و اخیراً استفاده از فناوری ها برای کنترل این پدیده حکایت از توقف دانش آموزان در انتقال اطلاعات و داده های سطحی می باشد و سطوح بالای دانش غفلت گردیده است.

تحول شناختی

هدفی را که ابن سینا برای این وضعیت اظهار نموده اند رشد و استکمال قوای عقلانی می باشد. رشد و استکمال قوای عقلانی باید در اولویت برنامه های آموزشی قرار گیرد به خاطر اینکه در مراحل قبلی یادگیرندگان توان دستیابی به چنین اهدافی در خود نداشتند و اگر چنین هدفی را از آنان داشته باشیم چه بسا از ادامه راه باز ایستند چون یادگیرندگان هنوز آمادگی دستیابی به چنین اهدافی را ندارند؛ رسیدن به این هدف یعنی دست یافتن به ادراکات عقلی نیازمند رشد و استکمال قوای حسی و تخیلی است یعنی وقتی نفس به رشد خود ادامه داده و از مرحله نباتی - حیوانی گذر کرده و به مرحله انسانی رسیده در آن صورت است که قوای حسی و تخیلی به حالت بالفعل در آمده در این مرحله باید که به رشد و تکمیل قوه عقلانی انسان پرداخته شود. در این مرحله نفس انسانی دارای دو قوه عالمه و عامله است و این دو قوه به منزله ی دو چهره نفس می باشند. آن چهره از نفس که به طرف بدن است و از طریق آن در بدن تصرف می کند و لازم است که اثری از مقتضیات و لوازم بدن را بپذیرد؛ بنابراین در نظام تربیت سنیوی رسیدن انسان به رشد نهایی عقل نظری که نفس هم با رشد نهایی عقل نظری به اوج کمال دست می یابد. یادگیرندگان این نظام تربیتی هنگامی به نهایت رشد خود می رسند که دستیابی به این مقام که مرتبه مستقیم و بدون واسطه مشاهده معقولات است کمال بیشتری برای عقل حاصل شده و به مراتب بالاتری ارتقاء یافته به گونه ای که تناسب با مبادی نخستین بشر شده است. البته دستیابی به این مرحله برای

هر فردی امکان پذیر نیست؛ زیرا در این مرحله انسان به موقعیتی می رسد که به دلیل تشابه با مبادی اولیه وجود تمام صور عالم در او مرتسم می گردد (ابن سینا، ۱۳۶۶: ۳۳۳).

همان گونه که مبرهن است در نظام آموزشی یادگیری بی تردید هرگز بدون تعمق اتفاق نمی افتد. موقعیت کنونی هر فرد ناشی از عمری اندیشیدن اوست (راجرز، ۱۳۷۵، ترجمه قرچه داغی: ۳۶) از این رو افکار قدرت زیادی دارند. زیرا تمامی ساخته ها و پرداخته های انسان چه زیبا و باشکوه و چه ناپسند همه در ذهن و از طریق تفکر و تعمق که می توان نامش را «ایده» یا نقطه نظر گذاشت انجام می شوند از همین نقطه نظر است که برنامه درست می شود و از برنامه رفتار می جوشد و حاصل رفتار نیز مملوس و عینی می باشد بنابراین می توان گفت هر چه فکر کنیم شروع آن از یک اندیشه بوده است. پس باید به پرورش تعمق پرداخت و شرایطی را فراهم ساخت که در آن به جای انتقال و انباشت اطلاعات سطحی مهارت های تفکر پرورش یابد البته پرورشی مورد نظر است که موجب تعمق گردد بنابراین می توان نتیجه گرفت که امروزه یکی از مهم ترین رسالت های تعلیم و تربیت کشور در مورد یادگیرندگان باید ایجاد فرصت و بسترهای مناسب جهت پرورش ژرف نگری باشد.

ضعف رشد اخلاقی

معمولاً کلاس درس محیطی نیست تا دانش آموزان بتوانند در مورد معضلات اخلاقی تأمل کنند و با تصمیم گیری جمعی مبتنی بر انصاف آشنا شوند و بدین ترتیب توانایی درک و فهم استقلال اخلاقی آنها ارتقا یابد. انسان برای رسیدن به تعادل روانی و موفقیت در روابط فردی و اجتماعی باید به اخلاق روی بیاورد.

امروزه در تعلیم و تربیت چالشی که وجود دارد ضعف رشد اخلاقی یادگیرندگان می باشد این مسئله یکی از چالش های حال و آینده جوامع و نظام های تربیتی بوده و خواهد بود به همین جهت یکی از دغدغه های سیاست گذاران آموزشی باید توجه به رشد اخلاق در دانش آموزان باشد. شواهد نشان می دهد که جامعه ایران هم اکنون و بی تردید در سال های آینده بیش از هر چیز دیگری نیازمند توجه به پرورش انسانهایی متخلق به ارزش های اخلاقی می باشد بی توجهی به ساحت تربیت اخلاق در کشور در وجه عملی آن بیشتر مشاهده می شود

تدبیر در عمل

از دیدگاه ابن سینا چنانچه نفس ملکه اوسط را کسب کند، فضایل اخلاقی که در حد و سط بین دو رذیلت افراط و تفریط جای دارند پدید می آیند. شیخ به برخی از این فضایل و رذایل اخلاقی اشاره کرده است (ابن سینا ۱۳۲۶: ۱۴۵).

قوه ناطقه که اشرف از قوای حیوانی است اگر در صدور افعال از دو قوه ی شهویه و غضبیه متابعت کند سبب اکتساب عادات و ملکاتی غیر شریفه و مضر می شود. بلکه می باید این قوا را مقهور سازد و تابع خود کند اما اگر انسان حد وسط افراط و تفریط را اخذ کند فردی "عفیف" و "شجاع" خواهد بود. در مورد قوه ی مدبره نیز حد وسط در آن سبب می شود که فردی "ذکی" و "فطن" باشد. از مجموع این سه انسان به صفت "عدالت" متصف می شود. (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۷۶).

برای تربیت اخلاق می توان سه بعد شناختی، عاطفی و عملی در نظر گرفت. در این ابعاد تواناییها و قابلیت‌هایی از حیث دانش و نگرش و عمل در فرد پدید می آید. یادگیری فضائل اخلاقی یادگیری تفاوت میان صحیح و خطا است که نگرش یادگیرندگان را تغییر داده و به آنها قدرت تشخیص می آموزد. نظام آموزشی جایی برای پرورش اخلاق فاضله می باشد. در نظام آموزشی باید مفاهیم تربیتی عینی شوند و یادگیرنده را هدایت نمایند تا خود را بشناسد و بتواند در مورد درستی و نادرستی رفتارهای خود به قضاوت منطقی برسد. چرا که سه فضیلت همدلی، وجدان و خویشتن داری سنگ بنای اخلاق فرد را تشکیل می دهد و اگر این فضیلت ها پرورش یابند سلامت اخلاقی یادگیرندگان تضمین خواهد شد.

امروزه یکی از اموری که شایسته است در برنامه های درسی و آموزش به آن توجه شود این است که در ضمن محتوای دروس، اقداماتی جهت پرورش اخلاقی یادگیرندگان صورت پذیرد و این امر باعث می شود تا یادگیرندگان به نقش و اهمیت ارزش های اخلاقی در ابعاد گوناگون و وظایف خود مطابق با نیازهای روزمره زندگی پی ببرند و این ارزش ها در آنها تقویت و رسوخ پیدا کند. توجه به نقش بسیار موثر اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت در تعیین راهبرد نظام تربیتی بسیار ضروری می باشد همچنین توجه به اخلاق در تعلیم و تربیت نوین بسیار مورد توجه بوده و خلع آن شکاف جدی ایجاد نموده بنابراین توجه به اندیشه فیلسوفان که در این حوزه

داراي تفكر والايي هستند براي نظام پر تلاطم بسيار ضروري است. روشن است كه دانش و توانايي لازم براي توسعه تلاش ها در ساحت توجه به ارزش هاي اخلاقي به ويژه در نظام تعليم و تربيت رسمي و عمومي مستلزم توجه كافي و وافي و هر دو جنبه نظري و عملي است. به همين دليل نظام تعليم و تربيت نيز بايد پرورش اخلاقي دانش آموزان را جزء اهداف و برنامه هاي مهم خود قرار داده و به آن توجه ويژه نمايد. تربيت اخلاق به عنوان محور تمامي برنامه هاي تربيتي مدارس مطرح شده و بر ساير ساحت هاي تربيتي برتري يافته است اين تربيت مستلزم عمل است و رفتار شخص بايد جلوه درك و احساس اخلاقي باشد (باقري، ۱۳۸۶).

فقدان مسؤليت پذيري در يادگيرندگان

متأسفانه با وجود تأكيد دين مابين اسلام بر پرورش انسانهاي مسؤل و آگاه و تأكيد نظام هاي مختلف آموزشي و پرورشي دنيا بر پرورش افراد مسؤليت پذير باز هم در خانواده و جامعه و در مدارس ما شاهد وجود افراد كم مسؤليت و يا بي مسؤلتي هستيم كه نه تنها به خود بلكه به جامعه پيرامون خود نيز ضرر هاي غير قابل جبران مي رسانند و بايد گفت كه نظام تعليم و تربيت ما در اين باره عملكرد خوبي نداشته است و نتوانسته افراد مسؤليت پذير را آنگونه كه شايسته جامعه اسلامي است، پرورش دهد. در واقع بي مسؤلتي، موجب ناتواني در برقراري روابط سالم و محبت آميز با ديگران، ناتواني در تصميم گيري، شكست هاي پيايي تحصيلي و مهم تر از همه روي آوردن به پرخاشگري و بزهكاري خواهد شد. (وايت، ۲۰۰۳).

كسب مهارت اجتماعي

نياز انسان به اجتماع از دير باز مورد توجه فيلسوفان و دانشمندان بويژه ابن سينا بوده است بر همين اساس در تربيت يادگيرندگان يكي از اهدافي كه بايستي مورد توجه قرار گيرد توجه به هدف كسب مهارت اجتماعي مي باشد زيرا فرد به تنهائي نمي تواند به زندگي خود ادامه دهد و مهارت هاي لازم را براي زندگي در يك جامعه به دست آورد.

ابن سينا انسان را مدني مي داند و از نظر او حيات انسان با زندگي ساير حيوانات متفاوت مي باشد و اينكه او به تنهائي قادر به برطرف نمودن حوائج خود نيست و در اين راستا محتاج تعاون ديگران مي باشد به اين ترتيب كه ديگري به رفع پاره اي از نيازهاي او بر مي خيزد و او هم پاره

ای از نیازهای دیگران را برطرف می‌سازد تا جامعه سامان پذیرد (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۴۴۱). واضح است که تفاوت انسان و حیوانات در این است که وی اگر بخواهد عهده دار همه‌ی امور معیشتی خویش شود و در برآورده ساختن نیازهایش از کمک دیگران بهره‌نگیرد نمی‌تواند معیشت خود را درست تدبیر نماید. بنابراین نیاز است هر یک از آنها از توانایی دیگری بهره‌برند. ابن سینا نیاز به غذا، مسکن، همسر و فرزند را به منزله‌ی نیازهای طبیعی و روحی که انسان را به زندگی در اجتماع وادار می‌کند مورد توجه قرار می‌دهد (ابن سینا، ۱۳۱۹). ابن سینا در تألیفات گوناگون خود از جمله تدابیر المنازل و القانون فی الطب به بیان اهمیت خانواده و ارکان آن می‌پردازد. وی می‌کوشد برای دستیابی به جامعه صالح تصویری روشن از خانواده مطلوب ارائه نماید (اعرافی و همکاران، ۱۳۷۷).

جامعه در نظر ابن سینا تنها به عنوان وسیله‌ای برای سامان بخشیدن به زندگی دنیوی ضروری نیست بلکه در سایه زندگی اجتماعی است که انسان می‌تواند کمالات متناسب خود را دریافت کرده و به بالاترین مرتبه‌ی سعادت دست یابد. بر این اساس ابن سینا نظام اجتماعی مطلوب خود را نظامی می‌داند که در آن افراد در جست و جوی به دست آوردن سعادت دنیوی و اخروی کوشش می‌کنند و با یکدیگر سازگاری و مشارکت دارند (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۱۴۰۴). بنابراین هر چند کمال زندگی مادی و معنوی انسان در گرو زندگی اجتماعی می‌باشد اما ابن سینا هر نظامی را در راستای رسیدن به هدف مطلوب نمی‌داند و بر این اساس است که در آخرین مقاله الهیات شفا نظام مطلوب خود را ترسیم می‌کند مدینه‌ای که با رهبری نبی و اجرای احکام و قوانین الهی سعادت انسان‌ها را فراهم می‌آورد. خانواده‌ها و نظام آموزشی باید امروزه مهارت‌های مورد نیاز در زندگی از جمله مسئولیت‌پذیری را به یادگیرندگان آموزش دهند، با رشد روز افزون جامعه و تغییر سبک زندگی، نیاز به آموزش مهارت‌های زندگی احساس می‌شود. امری که با تکیه بر کتاب و محفوظات و محیط آموزشی دست‌یافتنی نیست. همچنین به دلیل تغییرات فرهنگی بسیار زیاد و تغییر شیوه زندگی که به وجود آمده است توانایی لازم و کافی در برابر مشکلات و مسائل مختلف زندگی، و برخورد با آن‌ها و حل این مسائل باید به یادگیرندگان آموزش داده شود تا در برابر مسائل و مشکلات روزمره زندگی آسیب‌پذیر نشوند.

مدرسه به منزله ی یک مرکز تربیتی جامعه در جنبه های مختلف زندگی و کسب مهارت اجتماعی یادگیرندگان تأثیر فراوان دارد. مدرسه یک نظام اجتماعی می باشد که سه نقش اصلی مدیریت مدرسه، معلم و شاگرد را دارد. مربیان مدارس باید مسئولیت پذیری در یادگیرندگان را با استفاده از روش مشارکتی به عنوان یکی از روش های افزایش مسئولیت پذیری در دانش آموزان ایجاد نمایند. به دلیل اینکه یادگیرنده در این روش برخلاف یادگیری های سنتی از تجربیات همسالان خود استفاده می کنند. یکی از مهم ترین اهداف تعلیم و تربیت، اجتماع دانش آموزان یعنی آماده کردن آنان برای شرکت فعال و سازنده در زندگی اجتماعی، کسب آگاهی در باره حقوق اجتماعی خود و بهره برداری صحیح از آن و احترام به حقوق دیگران و همکاری با سایر افراد جامعه است، یکی از شیوه های گرایش دانش آموزان به فعالیت ها و تصمیم گیری یهای اجتماعی و مشارکت آنان در گروه های متشکل از همسالان در مدارس است تشکل های دانش آموزی می تواند بر افزایش مسئولیت پذیری دانش آموزان تأثیر داشته باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۲).

وابستگی اقتصادی

در عصر کنونی که دانایی ملاک و محور پیشرفت محسوب می شود تغییر حافظه محوری به مهارت محوری ضرورت دارد. نظام آموزشی باید به گونه ای باشد که یادگیرندگان را برای ورود به عرصه فعالیت کار و تلاش در اجتماع آماده نماید اما متأسفانه در نظام آموزشی کشور تأکید بر درس رشته های نظری است در ضمن اکثر زمان حضور دانش آموزان صرف درس حفظی می شود و پس از آن نیز در زمان حضور در خانه برای انجام تکالیف و آماده شدن برای امتحانات این گونه سپری می شود. به تعبیر پژوهشگران نیروی انسانی به عنوان عامل راهبردی در همه کشورها و سازمان ها مطرح است و آموزش نیروی انسانی نوعی سرمایه گذاری مفید و عامل کلیدی در توسعه محسوب می شود. که در صورت برنامه ریزی صحیح بازده اقتصادی قابل ملاحظه ای در بر دارد (مختار معمار، ۱۳۸۱: ۸۴). با توجه به اینکه فلسفه ی آموزش های فنی و حرفه ای انتقال مهارتهای لازم به افراد می باشد باید آموزش مهارت ها در جهت حرکت کند که افراد از لحاظ اقتصادی متکی به خود شوند (کندی، ۲۰۱۲).

کسب مهارت حرفه‌ای و شغلی

ابن سینا بر کسب مهارت حرفه به یادگیرندگان تأکید نموده است. از نگاه وی پایه و اساس تشکیل خانواده مبتنی بر داشتن حرفه می باشد. در تربیت انسان سعادت‌مند او معتقد است که، تربیت حرفه ای یکی از ضرورت های اجتماعی و انسانی است و بدون آن فرد و جامعه روی سعادت و نیکبختی را نخواهد دید (داودی، ۱۳۹۴). او کار را به مفهوم جامعه شناختی و نه اقتصادی اساس و پایه ی جامعه ی مدنی می داند و بر این باور است که ضرورت پاسخگویی به نیازهای انسان موجب شده است که انسانها گرد هم آیند و در رفع نیازهای یکدیگر بکوشند وی مهمترین نمود این همکاری را شغل می داند (ابن سینا، ۱۴۰۴.ه.ق). از نگاه ابن سینا انسان سعادت‌مند باید به حرفه مفید و مورد نیاز جامعه بپردازد. از نظر او کارهای مولد از اهمیت بیشتری برخوردار می باشند و جهت گیری نظام آموزشی باید به گونه ای باشد که افراد نسبت به مشاغل مورد نیاز جامعه گرایش پیدا کنند. کسب مهارت حرفه ای به عنوان یکی از ویژگیهای مهم انسان سعادت‌مند مورد تأکید وی می باشد.

در باب مهارت بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه جهت اشتغال مولد تأکید می کند که یادگیرنده در انتخاب صناعاتی که می خواهد بیاموزد باید قابلیت های خود و امکاناتی را که در اختیار دارد و نیز علاقه شخصی را مورد نظر قرار دهد. همچنین وی باید بداند که افراد از لحاظ توانایی های ذهنی و ویژگی های فردی با همدیگر متفاوت می باشند و این تفاوت ها در انتخاب حرفه باید رعایت شوند (ابن سینا، ۱۳۴۷: ۳۹). هنگامی که نوجوان در آموزش های تخصصی در حرفه ی مورد علاقه خویش متبحر شد باید به کسب درآمد روی آورد و امرار معاش نماید وقتی که نوجوان حلاوت کسب درآمد از طریق حرفه خود را چشید دیگر در میانه راه آن را کنار نمی گذارد (ابن سینا، ۱۳۴۷: ۴۱). و دیگر این که نوجوان به تحصیل معاش عادت می کند و فردی مستقل بار می آید. از این رو در نظام تربیت سنیوی رسیدن به نیکبختی باید افراد از جنبه اقتصادی واجد صفاتی باشند که مورد توجه ابن سینا بوده است .

امروزه در نظام آموزشی باید به کسب مهارت آموزی یادگیرندگان تأکید نمایند ، مهارت آموزی باید چیزی فراتر از چگونگی انجام کار باشد، متخصصان تعلیم و تربیت هستند معتقدند کارگران هم به توانایی های حل مسئله و تصمیم گیری نیاز دارند به همین دلیل فارغ التحصیلان

آموزش حرفه ای باید به گونه ای تربیت شوند که در محیط کار نه به عنوان ابزار تولید بلکه به منزله استفاده کنندگان هوشمند ابزارهای تولید به کار گرفته شوند. گرچه در نظام تعليم و تربیت رسمی مدون شده به موضوع مهارت و کسب شایستگی های پایه پرداخته است می طلبد که جهت نیل به کسب مهارت حرفه ای از نظر ابن سینا به ایجاد نگرش های کار آفرینی در دانش آموزان جهت کسب مهارت حرفه ای زمینه ساز کار مولد پرداخته شود و از هدایت تحصیلی یادگیرندگان به سمت آموزش های حرفه ای و شغلی در تمام مقاطع جهت کسب این مهارت ها قدم برداشته شود. همچنین ارتقا آگاهی یادگیرندگان در ارتباط مهارت محوری و قداست معاش حلال و تاثیراتی که آن بر جامعه دارد و تلاش نمودن جهت کار آفرینی به خاطر پیشگیری از بطالت در جامعه و تشویق نمودن یادگیرندگان به اموری که مصلحت عمومی را تهدید نمی نماید و تشویق آنها به انجام فعالیت هایی متناسب با استعدادشان باید مد نظر متخصصان تعليم و تربیت قرار گیرد..

نتیجه گیری و پیشنهادها

اگر چه عقل در متون اسلامی به عنوان وسیله ای برای هدایت انسانها معرفی شده است، اما این وسیله بدون رشد و تربیت به تکامل نخواهد رسید؛ در دیدگاههای اندیشمندان اسلامی بر تربیت عقلانی تأکید فراوانی شده است؛ تا آنجایی که تربیت عقلانی از نظر آنان سبب هدایت انسان به سمت حقیقت هستی می شود. آموزش و پرورش از جمله نهادهایی است که وظیفه رشد و شکوفاسازی استعدادها بر محور تربیت عقلانی را دارد. از راهکارهایی که می تواند در این امر مدد رسان نظام تعليم و تربیت باشد، توجه به دیدگاه و اهداف فیلسوفان مسلمان و باز شناسی آراء تربیتی ایشان است. در این میان دیدگاه ابن سینا از فیلسوفان ژرف اندیش که دارای منظومه فکری- فلسفی است می تواند مطرح باشد. بنا بر دیدگاه ابن سینا قوه ی ناطقه برترین قوه ی انسان می باشد و فرد را به سعادت و نیکبختی می رساند؛ زیرا توانایی ادراک عقلانی دارد و این ویژگی، این قوه را از سایر قوا متمایز می سازد و انسان را اشرف مخلوقات قرار می دهد. با مطالعه در افکار ابن سینا در می یابیم که وی بالاترین هدف (غایی) تربیت را که انسان در پی کسب نمودن آن می باشد سعادت و نیکبختی می داند. بنا بر دیدگاه او سعادت و نیکبختی، نزدیکی به «حق» می باشد که در این مرتبه انسان از طریق اتصال به عقل فعال به تمام حقایق عالم دست می

یابد؛ البته برای رسیدن به هدف غایی از دیدگاه این سینا انسان های تربیت شده می بایست دارای ویژگیهای منحصر به فرد داشته باشند. از نظر ابن سینا برای رسیدن به هدف غایی باید در فرآیند تربیت، اهداف واسطه ای را مدنظر قرار داد. این اهداف شامل تعمیق شناخت، تعامل نفس با عقل فعال، تحول شناختی، تدبیر در عمل، کسب مهارت اجتماعی، کسب مهارت حرفه ای و شغلی است. بنابراین آنچه امروزه در نظام های آموزشی باید در اولویت قرار گیرد رشد عقلانی افراد می باشد. توسعه و پیشرفت هر جامعه ای هم منوط به نظام آموزشی آن جامعه می باشد و نظام آموزشی در صورتی می تواند این امر مهم را محقق نماید که به پرورش عقلانیت یادگیرندگان توجه ویژه ای داشته باشد. به جهت اینکه در پرتو توجه نمودن به این عامل است که از تبدیل ذهن یادگیرندگان به انباری از اطلاعات و محفوظات و یادگیری های سطحی جلوگیری شده و توانایی حل مساله در آنها ظهور می یابد. نظام تعلیم و تربیت کشور ما با دو چالش حافظه محوری و ناتوانی در حل مسئله مواجه است. در جهت رفع این چالشها با توجه به تحقق اهداف تربیت عقلانی ابن سینا راهکارهایی مطرح است. در جهت تحقق اهداف تربیتی وی در ضعف توانمندیهای تعقل، مریبان باید با طرح پرسشهای سقراطی شاگردان را در جهت دلایل محکم هدایت نمایند و عقل یادگیرندگان را از طریق تمرین منطق تفکر و طُرق تفکر از کودکی شکوفا سازند. و زمینه رشد عقلانی برای او فراهم کرده و درست فکر کردن را به وی بیاموزند. در جهت کاهش سطح ثبات و معنادار بودن یادگیری مریبی باید زمینه هایی را برای یادگیرنده فراهم کند که بتواند بین مفاهیم جدید و مفاهیم موجود در ساختار شناختی خویش ارتباط برقرار کند. در سطحی اندیشی یادگیرندگان باید مریبان شرایطی را فراهم سازند که در آن به جای انباشت اطلاعات سطحی مهارت های تفکر پرورش یابد تا موجب تعمق گردد. برای رفع ضعف رشد اخلاقی یادگیرندگان باید مریبان اقداماتی جهت پرورش اخلاقی آنها انجام دهند تا نامبردگان به اهمیت ارزش های اخلاقی در ابعاد گوناگون پی برده و این ارزش ها در آنها تقویت شوند. همانطوریکه اشاره شد در ضعف مسئولیت پذیری یادگیرندگان نظام آموزشی مریبان باید مهارت های مسئولیت پذیری را به روش مشارکتی به آنها آموزش داده و تکیه بر محفوظات آنها نکنند که این امر با محفوظات دست یافتنی نمی باشد. در نهایت در برخورد با وابستگی اقتصادی یادگیرندگان، مریبان تربیتی باید تلاش کنند که آگاهی یادگیرندگان را جهت کار آفرینی با

توجه استعداد هایشان افزایش دهند و آنها را به اموری که مصلحت عمومی را خدشه دار نمی کند سوق دهند. در یک نگاه کلی تحقق اهداف تربیت عقلانی ابن سینا در نظام تعلیم و تربیت سبب حفظ توازن عقل یادگیرندگان و راهیابی آنها به سمت علم صحیح می گردد. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد های پژوهشی و اجرایی برای متولیان تعلیم و تربیت ارائه می شود:

در زمینه عدم تحقق اهداف تربیت عقلانی ابن سینا در نظام تعلیم و تربیت پژوهشی از نظر آسیب شناسی صورت گیرد و نتیجه آن بررسی شود. پیشنهاد دیگر این است که از نتایج بدست آمده از این پژوهش در برنامه ریزی و بازنگری برنامه های پژوهشی در مدارس استفاده شود و نیز شایسته است در جهت ارتقای دانش مربیان تربیتی در مدارس در زمینه اهداف یاد شده برنامه های توانمندسازی تدوین و اجرا شود و برنامه ریزان آموزشی در ارزشیابی دانش آموزان در جهت منطبق تفکر و طرق تفکر با توجه به اهداف تربیت عقلانی بازسازی و بازنگری نمایند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۴۰۰)، رسائل، قم: انتشارات بیدار.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۴۰۳)، الاشارات والتنبیهاات به همراه شرح خواجه نصیر الدین طوسی، ۳ مجلد الطبعه الثانيه، تهران: دفتر نشر الکتاب.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۴۰۴)، الشفاء الطبیعیات و الهیات تفسیر ابراهیم مدکور مکتبه المرعشی نجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۳۲۶)، تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات، قاهره: دارالعرب.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۳۴۷)، تدابیر المنازل و السياسات الاهلیه،
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۳۶۳)، الاشارات و التنبیهاات متن اصلی به همراه ترجمه و شرح از حسن ملکشاهی تهران: انتشارات سروش ترجمه جعفر نقدی، بغداد: مجله المرشد.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۳۶۴)، النجاه، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: مرتضوی.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۳۶۶)، فنون سماع طبیعی، ترجمه محمد علی فروغی، تهران: نشر نو.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۳۷۹)، التعليقات، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله، (۱۹۵۲)، احوال النفس به اهتمام دکتر احمد فواد الاهوانی، قاهره، بی جا
- اعراف، علیرضا، فتحعلی خانی، محمد، فصیحی زاده، علیرضا، و فقیهی، علی نقی، (۱۳۷۷)، آرای دانشمندان مسلمانان در تعلیم و تربیت و مبانی آن جلد ۱ و ۲. قم: تهران: سمت.

- امینی، محمد، رحیمی، حمید، صالحی، معصومه و موسوی، سمیه، (۱۳۹۲)، ارزیابی میزان مسئولیت پذیری دانشجویان دانشگاه کاشان، (فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۲)، ۲۹۷-۲۷۱.
- ایرانش، فاطمه و عباسعلی رستمی نسب، (۱۳۹۵)، «روش‌ها تربیت عقلانی در صحیفه سجاده» معرفت، شماره ۲۲۸، آذر ۹۵.
- باد کوبه هزاوه، احمد، (۱۳۸۸)، درآمدی بر تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن سینا.
- باردن، لورنس، (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزیسرخایی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: ناشر سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی بهشتی، (۱۳۸۶)، آئین خرد پروری، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پور محمدی، ابوزر، (۱۳۸۲)، بررسی مفهوم تفکر در قرآن مجید پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات (گرایش قرآن و حدیث). دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد. دانشگاه امام صادق (ع).
- پور محمدی، عارف و ملکی، حسن، (۱۳۹۴)، تربیت عقلانی از دیدگاه علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹: ۲۹-۴۸.
- ترکاشوند، نسربین و همکاران، (۱۳۹۷)، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۹۷، ص ۶۹-۸۶.
- جانناری، حسین علی، واعظی، سید حسین، (۱۳۹۶)، بررسی و تبیین نقش غفلانیت از منظر قرآن کریم، پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۲ شماره ۲۸ پاییز (۵۵) ۱۴۷-۱۵۹.
- جویس، ویل و کالهن، (۱۳۸۴)، الگوی تدریس، ترجمه محمد رضا بهرنگی، تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۴ تهران: انتشارات کمال تربیت.
- خلیفه، قدرت الله، (۱۳۹۰)، مبانی و روش‌های تربیت عقلانی از منظر روایات اسلامی، فصلنامه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، ۲(۳) ۷۲-۳۵.
- راجرز، جان و پیتر مک، ویلیامز، (۱۳۷۵)، تفکر منطقی، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران: انتشارات شباهنگ.
- رشیدی، شیرین و همکاران، (۱۳۹۶)، «ارایه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آپ رسمی و عمومی بر اساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم». نشریه مسایل کاتربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴۲، شهریور ۹۸، ص ۷-۴۷.
- رضائی، محمدجعفر و همکاران، (۱۳۹۷)، «غایت‌شناسی تربیت عقلانی در ساحت فردی از دیدگاه آیت... جوادی آملی». پژوهش در مسایل تعلیم تربیت اسلامی، بهار ۹۷، شماره ۳۸، ص ۳۹-۵۸.
- زیبا کلام مفرد، (۱۳۸۴)، مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران، چاپ سوم، تهران: نشر حفیظ.
- زیبا کلام مفرد، فاطمه، حیدری، سمیرا، (۱۳۸۴)، مکتب فلسفی تربیتی لندن (با بررسی آرای پیترز و هرست). چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تفرش و نشر حفیظ.

- زیبا کلام مفرد، فاطمه و حیدری، سمیرا، (۱۳۸۷)، بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت (مبانی، اصول، اهداف، محتوا، روش). مجله علمی - پژوهشی روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ۳۸ (۳)، ۸۹-۱۱۳.
- زیبا کلام، فاطمه، (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت در فلسفه ابن سینا و مقایسه آن با فلسفه اثبات گرایی و عمل گرایی. مجله پگاه علوم تربیتی.
- سرخ آبادی و کرامتی، (۱۳۹۶)، «روش ها آموزش در سیره رضوی و دلالت ها آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان». فرهنگ رضوی، سال پنجم، ۹۶. شماره ۱۷، ص ۳۵-۵۸.
- شهریاری، شهناز، (۱۳۹۶)، اهداف تعلیم و تربیت و بایسته های آن با تأکید بر دیدگاه ابن سینا درباره ی نفس، دو فصلنامه ی علمی تخصصی فلسفه ی اسلامی نسیم خرد ۳ (۱).
- کریمیان، مهدی و همکاران، (۱۳۹۵)، « جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر سند برنامه درسی ملی»، پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۵، دوره جدید، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۳۳-۱۵۱.
- مختار معمار، ح، (۱۳۸۱)، نگرش اعضای هیئت علمی و دانشجویان مقطع کارشناسی کتابداری درباره اهداف و نحوه ی ارائه دروس کاورزی، مجله روان شناسی و علوم تربیتی ۳۲ (۲): ۱۰۷-۷۷.
- مشیری، ملیحه، (۱۳۹۶)، نسبت مفهومی تربیت عقلانی و تربیت دینی از منظر ابن سینا، مجله ی مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی (۴) ۷۷-۱۰۷.
- مظلومیان، سعید، رستگار، احمد، سیف، محمدحسن، جهرمی، رضا، (۱۳۹۳)، نقش باورهای انگیزشی و درگیری شناختی بین پیشرفت تحصیلی قبلی و پیشرفت فعلی (الگوی تحلیل)، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش در یادگیری-آموزشگاهی و مجازی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۴۲-۴۵.
- ملکی، حسین، (۱۳۷۹)، تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت های آموزشی آن. تهران: مرکز مطالعه تربیت اسلامی.
- نوبهار، فائزه، (۱۳۹۰)، مقایسه تأثیر دو روش تدریس بحث گروهی و حل مسئله بر میزان یادگیری و یادداری درس تعلیمات اجتماعی دانش آموزان پایه پنجم شهرستان اسفراین سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- نوروزی، رضا علی، شهریاری، شهناز، (۱۳۹۱)، تحلیلی بر پیامدهای عقل نظری از دیدگاه ابن سینا، فصلنامه ی فلسفه و کلام اسلامی، آینه ی معرفت، دانشگاه شهید بهشتی ۱۲ (۲).
- Ghaemi N, Afshari G. The Effects of Synthetics Model of Teaching on Creative Writing of Students in the Last Year of Primary Education in Dezful. Stud. 2212;9(2):955-59
- Guven B, Cabakcor BO. Factors influencing mathematical problem-solving achievement of seventh grade Turkish students. Learning and Individual Differences. 2219;29:191-5
- Kennedy, O. (2012). Philosophical and Sociological Overview of Vocational Technical
- Maring, P. H. (2001). Qualitative content analysis- research instrument or mode of interpretation? <http://www.unituebingen.de/gualitative-psychologic/t-WSD1/Mayring-en.htm>
- SeidelM TM & Shavelson, R. J. (2007). Teaching Effectiveness Research In The Past Decade: The Role of Theory And Research In Disentangling.

